



رویدادنامه

مختصر پایان شاهنشاهی ساسانی و اوایل اسلام

ویرایش، ترجمه و تفسیر

نصیر الکعبی استاد دانشگاه تورنتو کانادا

و دانشگاه کوفه (عراق)

ترجمه دکتر محمد ملکی



رویدادنامه مختصر پایان شاهنشاهی ساسانی و اوایل اسلام

(۶۶۰-۵۹۰ میلادی)

ویرایش، ترجمه و تفسیر نصیر الکعبی

ترجمه دکتر محمد ملکی

عنوان و نام پدیدآور	رویدادنامه مختصر پایان شاهنشاهی ساسانی و اوایل اسلام (۶۶۰-۵۹۰ میلادی) / ویرایش، ترجمه و تفسیر نصیر الکعبی؛ ترجمه محمد ملکی.
مشخصات نشر	تهران: شفیعی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۶۳ص: (مصور) بخشی رنگی، جدول، نمودار(رنگی).
شابک	978-964-7843-66-9
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	A short chronicle on the end of the Sasanian Empire and early Islam 590-660 A.D.2016
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نماینه.
موضوع	ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م.
موضوع	Iran -- History -- Sassanids, 226-651
موضوع	ایران -- تاریخ -- از آغاز تا ۶۴۰ م.
موضوع	Iran -- History--To 640.
موضوع	کشورهای اسلامی -- تاریخ -- از آغاز تا ۴۱ ق.
موضوع	Islamic Empire -- History -- 622 - 661
شناسه افزوده	کعبی، نصیر، ویراستار
شناسه افزوده	ملکی، محمد، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره	DSR۴۰۳
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۹۸۰۴۲

رویدادنامه مختصر پایان شاهنشاهی ساسانی و اوایل اسلام

ویرایش، ترجمه و تفسیر: نصیر الکعبی

ترجمه: دکتر محمد ملکی

چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صحافی: هورنو

ناشر: انتشارات شفیعی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۶۶-۹

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان

اردیبهشت، شماره ۶۵، طبقه همکف.

تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات شفیعی می باشد.

فهرست مطالب

۶	کوتاه‌نوشته‌ها
۸	پیشگفتار
۹	مقدمه
۹	نسخه خطی و هویت نویسنده آن
۹	توصیف و تشریح نسخه خطی
۱۱	مولف
۱۶	عنوان
۱۹	ترجمه‌های رویدادنامه
۱۹	ترجمه‌های کامل
۲۱	ترجمه‌های جزئی
۲۲	منابع و محتویات رویدادنامه
۲۴	اواخر دوره ساسانیان
۲۴	منابع مرتبط
۳۳	تاریخ سلطنتی یا شاهانه
۵۲	رابطه بین ساسانیان و بیزانس
۵۴	پناهندگی خسرو دوم به موریس
۵۶	جنگ خسرو دوم بر ضد بیزانس
۵۸	حمله ساسانیان به اورشلیم در ۶۱۴
۶۱	تهاجم ساسانیان به اسکندریه ۶۱۹-۶۱۸
۶۵	هراکلیوس و آخرین پادشاهان ساسانی

۶۸	تاریخ مربوط به کلیسای مسیحی.....
۶۸	منابع مرتبط.....
۷۰	سالار کلیسای شرق و شورای کلیسایی.....
۷۵	رابطه بین کلیسای شرقی و امپراتوری ساسانی.....
۷۸	سربانیهای شرقی- درگیری سربانی‌های ارتدکس.....
۸۳	دوره اولیه اسلامی.....
۸۳	منابع مرتبط.....
۸۹	محمد و ظهور اسلام.....
۹۹	فتوحات اسلامی.....
	انگیزه‌های پشت فتوحات.....

۱۰۰

۱۰۲	تسخیر عراق و ایران.....
۱۰۸	فتوحات شرق دریای مدیترانه و مصر.....
۱۱۲	رویکرد تاریخی.....
۱۱۲	مفهوم نویسنده رویدادنامه از تاریخ.....
۱۱۳	محتویات و سازماندهی مواد.....
۱۱۶	مستمعین و پیام نویسنده رویدادنامه.....
۱۱۷	خدا در پشتوانه تاریخ.....
۱۱۹	جغرافیای تاریخی.....
۱۲۲	جغرافیای کلیسا.....
۱۲۵	جغرافیای اسلامی.....
۱۲۹	ترجمه متن سربانی.....
۲۲۱	شرح وقایع به ترتیب زمانی در رویدادنامه مختصر.....
۲۲۱	رخدادهای مربوط به دوره تحت پوشش رویدادنامه (۵۹۰-۶۶۰).....
۲۲۱	تاریخ اواخر ساسانیان.....
۲۲۳	تاریخ کلیسا.....

۲۲۵		اوایل دوره اسلامی
۲۲۸		کتابنامه
۲۲۸		منابع اصلی اولیه
۲۲۸		منبع عربی (اسلامی)
۲۳۲		منبع عربی (مسیحی)
۲۳۳		منابع ارمنی
۲۳۳		منابع قبطی
۲۳۳		منابع یونانی و لاتین
۲۳۴		منابع فارسی میانه
۲۳۵		منابع سریانی
۲۳۷		منابع نائویه
۲۵۶		اشخاص ذکر شده در رویدادنامه
۲۵۶		فهرست پادشاهان ساسانی، فرماندهان و نجبا در رویدادنامه
۲۵۶		پادشاهان
۲۵۶		فرماندهان و نجبا
۲۵۷		پاتریارک‌ها
۲۵۷		لیست فرمانروایان مسلمان عرب
۲۵۸		لیست کارهای مربوط به رویدادنامه
۲۵۹		نقشه‌ها
۲۵۹		جداول
۲۶۰		نمایه

کوتہ نوشتہا

Epigraphy and Languages

Av.	Avesta
KSM	Inscription of Kerdīr at Sar Mashad
NPi	Inscription Narseh in Paikuli
Pah	Pahlavi
Syr.	Syriac
ŠKz	Šāpūr's Ka'ba-ye Zardošt Inscription
ŠNRb	Šāpūr I on the Ka'ba-ye Zardošt at Naqš-e Rostam Inscription

Encyclopedias

CHI	Cambridge History of Iran
Encyclopedic Dictionary	Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage
Iranica	Encyclopaedia Iranica
El ²	Encyclopedia of Islam, Second Edition
El ³	Encyclopedia of Islam, Third Edition
CSCO Louvain	Corpus Scriptorum Christianorum Orientalium, Paris and Louvain

Journals

BAI	Bulletin of the Asia Institute
BASOR	Bulletin of the American School of Oriental Research
BSAC	Bulletin de la société d'archéologie copte
BSOAS	Bulletin of the School of Oriental and African Studies
JIHCS	Journal of Institute for humanities and cultural studies
IJAS	International Journal of Ancient Iranian Studies
JAN	Journal of American Numismatics
JBIPS	Journal of the British Institute of Persian Studies
JCSSS	Journal of the Canadian Society for Syriac Studies
JIA	Journal of the Iraqi Academy
JIE	Israel Exploration Journal
JNF	Journal of Nāme-ye Farhangestān
JNES	Journal of Near Eastern Studies
JNIB	Journal of Nāme-ye Bahārestān
Sumer	Sumer, Iraq Museum
JSAN	Journal of the Society for Ancient Numismatics
JSOR	Journal of the Society of the Oriental Research
JSAI	Jerusalem Studies in Arabic and Islam
JWH	Journal of War in History
NC	Numismatic Chronicle
NF	Nāme-ye Farhangestān
PdO	Parole de l'Orient

پیشگفتار

کتاب، *رویدادنامه مختصر پایان شاهنشاهی ساسانی و اوایل اسلام* ۵۹۰ تا ۶۶۰ میلادی، از یک پروژه دوساله پسادکتری، در بخش مطالعات تمدن‌های خاور نزدیک و میانه دانشگاه تورنتو، بیرون آمده است.

این کتاب اولین ترجمه انگلیسی از متن اصلی است که با یادداشت‌هایی در مورد نام‌های اشخاص، جریان‌ها و مکان‌ها، در مورد اصطلاحات فنی گوناگون در زبان سریانی و فارسی، توضیحاتی ارائه می‌دهد. زیرنگاشت‌های وسیع در مورد محتویات *رویدادنامه*، اغلب در پرتو منابع سریانی، عربی، فارسی‌میانه و ارمنی، ممکن است نه تنها گزارش‌های قابل مقایسه‌ای با آنهایی که در محتویات *رویدادنامه* یافت می‌شوند ارائه دهد، بلکه پانویس‌ها همچنین، به اکتشافات سایت‌های باستان‌شناسی و عمارات ذکر شده در متن، نیز اشاره می‌کنند. این کتاب مسائلی مانند هویت ناشناس نویسنده *رویدادنامه*، منابع اطلاعات او و موضوعات اصلی گزارشات تاریخی‌اش را شرح می‌دهد. تجزیه و تحلیل تاریخی در این مجلد، دوره پایانی ساسانیان و ظهور اسلام را، با تاکید بر وضعیت کلیسا در این دوره‌های تاریخی بسیار سخت، پوشش می‌دهد.

این *رویدادنامه* برای مطالعه اواسط قرن هفتم، دوره تغییرات مهم تاریخی، که شاهد فروپاشی دو امپراتوری جهانی و جایگزینی‌اشان به وسیله اسلام بود، است - و به این ترتیب نشان‌دهنده پایان عصر باستان و آغاز قرون وسطی است. اهمیت *رویدادنامه* در این حقیقت نهفته است که ممکن است اولین سند سریانی باشد که به منابع رسمی و موثق ساسانی وابسته است. این احتمالاً قدیمی‌ترین وقایع‌نامه سریانی است که با ظهور محمد و سپس فتوحات اعراب مرتبط است، در حالی که نویسنده آن شاهد عینی توالی فرمانروایان و قلمرو پادشاهی‌ها در آن دوره است.

نصیر الکعبی

دانشگاه تورنتو و دانشگاه کوفه (عراق)

۲۰۱۵ / ۷/۱۷

نسخه خطی و هویت نویسنده آن

توصیف و تشریح نسخه خطی

نسخه اصلی، که متضمن همین *رویدادنامه* است (از این پس *رویدادنامه* مختصر یا به طور ساده *رویدادنامه* خوانده می‌شود)، بخشی از مجموع هفده دست‌نوشته کوتاه است که روی هم تنها در یک جلد، از صفحه ۲۹۱ تا صفحه ۳۰۱، در همان عصر صفحه‌بندی شده است. بلندای هر صفحه ۳۵ سانتی‌متر و پهنای آن ۲۶،۵ سانتی‌متر است.^۱ این دست‌نوشته در اصل با دیگر نسخ خطی در صومعه کلدانی‌ها از بانو سیدیز (Seeds) در نزدیکی آلقوش (Alqosh)، که در فهرست ۱۶۹ آورده شده است، قرار داشت. در اواسط قرن نوزدهم، این مجموعه از موصل به بغداد منتقل شد و در بین آن مجموعه یک مخزن کتاب که متعلق به صومعه کلدانی‌ها بود قرار داشت. در زمانی که مجموعه به منظور مطالعه علمی و تحقیق بازسازی می‌شد، کشف شد که تنها چیزی که از دست رفته است، دست‌نوشته *رویدادنامه* ماست. *رویدادنامه* به عمد از میان برداشته شده بود و از آن جایی که با سایر اسناد و مدارک دیگر پیوند داشت، از بین رفتنش به این سادگی‌ها نبود. جستجوی جامع برای این نسخه خطی قبل از تصرف شهر موصل، توسط دولت اسلامی که در دهم ژوئن ۲۰۱۴^۲ اتفاق افتاد،

^۱ See Jacques Vosté, *Catalogue de la bibliotheque syro-chaldéenne du Couvent de Notre-Dam des sememes près d'Alqos (Iraq)* (Rome: Bureau de l'“Angelicum,” 1929), pp. 63-66.

^۲ من مرهون دکتر امیر جاجی، برای کمک فراوانش در همراهی با من در جستجوی دست‌نوشته‌های کتابخانه‌های موصل و بغداد، هستم.

چیزی را فاش نکرد. هرکسی که دست‌نوشته را برداشته قطعاً به ارزش و اهمیت آن واقف بوده و احتمالاً آن را برای خود برداشته است.

این دست‌نوشته در سال ۱۹۷۶ به عنوان مبنای ترجمه عربی *رویدادنامه* مختصر، توسط مرحوم بُطرس حدّاد مورد استفاده قرار گرفت. حدّاد به طور خاص در مقدمه این کار به این موضوع اشاره می‌کند و حتی عکسی از آن را در یکی از صفحات مجله خود در معرض نمایش قرار می‌دهد. جای تعجب اینجاست که او نتوانست آن را در کتاب *نسخه‌های خطی سریانی و عربی در کتابخانه صومعه کلدانی‌ها*^۱ که آن را در سال ۱۹۸۸ منتشر کرد، فهرست کند. با این وجود، جستجوی کامل توسط نویسنده حاضر در کتابخانه شخصی حدّاد، پس از مرگش در نوامبر ۲۰۱۰، موفقیتی برای کشف این دست‌نوشته در پی نداشت. عکس منتشر شده با ترجمه عربی بدون شماره صفحه، به نظر می‌رسد هنوز هم با ارزش است، طرح احتمالی دست‌نوشته را در دو ستون و ۴۱ خط با هفت کلمه در هر سطر نشان می‌دهد. این الگو بدون تردید از طریق آن کار به کار گرفته شده بود.

به دلیل از دست رفتن نسخه‌های خطی، من متوسل به استفاده از نسخه قدیمی ۵۹۹ واتیکان شدم که شامل آخرین نسخه *رویدادنامه* مختصر، از صفحه ۶۶ تا ۷۸، است. این کتاب در ابتدا توسط شماس عیسی العقروری و به دستور مار ایلی، اسقف عاقر (ماردین)، کپی شد و بعدها به کتابخانه واتیکان، توسط اسقف اسرائیل اودو، اهدا شد. این کتاب بعدها توسط گونیدی^۲ منتشر شد و پس از آن توسط تقریباً تمام ترجمه‌های بعدی از جمله خود من مورد استفاده قرار گرفت. ما از قرائت متن گونیدی، بجز در چند خطای اندک نسخه او، پیروی کردیم و خواننده، ناچار نیازمند استفاده از این نسخه و پانویس‌هایش است.

^۱ Butrus Haddad and Jack Isaac, *Syriac and Arabic Manuscripts in the library of the Chaldean Monastery, Baghdad, Part I Syriac* (Baghdad: Iraqi Academy of Sciences, 1988), pp. 242-273

^۲ Arnold van Lantschoot, *Inventaire des manuscrits syriaques des fonds Vatican (490-631): Barberini oriental et Neofiti* (Citta del Vaticano: Biblioteca apostolica vaticana, 1965), pp. 132—133.

مولف

رویدادنامه مختصر، هیچ‌گونه اطلاعات مستقیمی در مورد نام نویسنده ارائه نمی‌دهد؛ او هیچ کجا درباره خود صحبت نمی‌کند. از این رو ما باید از رویدادنامه اطلاعاتی را که درباره هویت و زمانه مولف است جمع‌آوری کنیم.

نویسنده یکی از اعضای کلیسای شرق است. او موقعیت تدافعی علیه اعضای کلیسای ارتدکس سریانی می‌گیرد و وقایع مهم و بحث‌هایی را که بین اعضای هر دو کلیسا تا پایان دوره ساسانی درمی‌گیرد اشاره می‌کند.^۱ نویسنده به صراحت از منظر کلیسای خود- شاید حتی از روی تعصب- به تمامی بحث‌های که منجر به پیروزی طرف سریانی شرقی می‌انجامد خاتمه می‌دهد.^۲ او به دقت ویژگی‌های شخصیتی سریانی مشرق را توصیف می‌کند که در این مباحث در طول یک دوره ۷۱ ساله از زمان هرمزد چهارم (۵۹۰-۵۷۹) تا زمان یزدگرد (۶۵۱-۶۳۲) را در بر می‌گیرد.^۳ این حقایق پرسش‌هایی در مورد تعلیم و تربیت مولف و اینکه آیا او یکی از اعضای کلیسا (روحانیون) بوده یا نه مطرح می‌کند. او به مانند تمام متفکران سریانی که در تمام امور خود - به‌خصوص فعالیتشان وابسته به تاریخ کلیسا است- او نیز به کتاب مقدس برای توضیح وقایع متکی است. او قطعاً از عهد عتیق نقل می‌کند که در مورد اتفاقات کتاب مقدس قابل مقایسه با زمان خودش است و آنها را با پیشگویی آنچه بعد از آن آمده است منطبق می‌کند.^۴ او همچنین به موقعیت جغرافیایی برخی از شهرها اشاره می‌کند و املائی نام آنها را همانطور که در عهد عتیق بوده آورده است.^۵

با اینکه نویسنده به خوبی در مورد مناقشات عقیدتی بین ارتدکس شرقی و سریانی شرقی واقف است، اما با این حال مولف با شور و شوق طرفدار مسیحیت در مقابل دیگر ادیان از جمله یهود و

^۱ برای جزئیات بیشتر درباره روابط بین کلیسای شرق و شاهنشاهی ساسانی نگاه کنید به:

S. Brock, "Christians in the Sasanian Empire: A Case of Divided Loyalties," *Studies in Church History* 18 (1982), pp. 1-19.

^۲ *Short Chronicle*, p. 17-19.

^۳ *Ibid*, p. 22

^۴ به عنوان نمونه به روایت‌هایی که در مورد یزدین گفته نگاه کنید *Ibid*, p. 23

^۵ *Ibid*, pp. 37-39

مانویت است.^۱ او این ادیان را به گونه منفی به تصویر می‌کشد و اعتقادات آنها را با آوردن استدلال-هایی از کتاب مقدس، رد می‌کند. کار او پر از این نوع استدلال است که حتی زمانی خارج از متن قرار داده می‌شود^۲ که نشان دهنده تمایلش به دفاع به هر قیمتی از هویت مذهبی‌اش است. بنابراین ما می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که نویسنده در مورد مسائل الهیات مسیحی بسیار تحصیل کرده و علاوه بر تجربه فراوانش در نوشتن تاریخ، دانش عمیقی از تفسیر کتاب مقدس داشته است.

نویسنده توجه دقیقی به ملاحظات سیاسی و مذهبی زمان خود دارد: علی‌رغم دفاع فراوان او از مسیحیت در برابر یهودیت و مانویت، او رویکرد کاملاً متفاوتی نسبت به دین زردشتی-موضوع مهم در مطالعات تاریخی ساسانی-مخصوصاً برای کسانی که از منابع فارسی میانه به مانند *رویدادنامه* مختصر استفاده می‌کنند، در پیش می‌گیرد.^۳ ادبیات سریانی در کل و زندگی شهدا معمولاً شامل بحث-های طولانی و تحلیل مذهب زردشتی است که در آن پیروان این دین را به عبادت آتش و خورشید و دیگر جنبه‌های منفی توصیف می‌کند.^۴ نکته درخور توجه این است که نویسنده با اینکه از جایگاه مهم روحانیت زردشتی در تاریخ‌های رسمی ساسانیان آگاه است و می‌داند این چهره موضع منفی

^۱ Ibid, pp. 36

^۲ Ibid, pp. 26

^۳ تقریباً انواع نوشته‌جات فارسی میانه تحت تاثیر روحانیت زردشتی قرار داشت که در بیشتر نوشته-های دوره ساسانی به وضوح دیده می‌شود، به ویژه در کتاب *خدای نامه*، زندگی‌نامه پادشاهان، که نویسنده کتاب *رویدادنامه*، همچنان که بعداً نشان داده خواهد شد، بدان اعتماد کرده‌است. برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به:

Sh. Shahbazi, "On the Xwaday-Namag," in *Encyclopaedia Iranica Varia: Papers in Honour of Ehsan Yarshater* (Leiden, 1990), 208—29; M. Macuch, "Pahlavi literature," in R. Emmerick and M. Macuch (eds.). *The Literature of Pre Islamic Iran* (London: 2009), pp. 116-96, at pp. 173-7.

^۴ For example see the History of Karka d-bet-Slok and its Martyrs, in Paul

Bedjan (ed.), *Acta martyrum et Sanctorum syriace*, vol. II (Paris and Leipzig; Otto Harrassowitz, 1891), pp. 507-535

نسبت به مسیحیت همواره از خود اتخاذ می‌کند، اما از اشاره به زردشتیان خودداری می‌کند.^۱ بنابراین به احتمال زیاد هنگامی که تصمیم گرفت تاریخ شاهنشاهی ساسانی را بنویسد دیگر نمی‌توانست انتخاب چندانی برای مخالفت یا توهین به دین رسمی دولتی داشته باشد. نویسنده ممکن است فردی دیپلماتیک و در عین حال محتاط بوده و به خاطر داشته است که این کار می‌تواند به دست افراد خارج از جامعه مذهبی خود نیز بیافتد.

نویسنده تاریخ دقیقی به عنوان شروع و پایان نوشتن *رویدادنامه* خود ارائه نمی‌دهد به همین دلیل اثبات زمان ثابتی که او در آن زندگی می‌کند دشوار است. مقدمه، که بعدها توسط کاتب یا نویسنده دیگر نوشته شده است، می‌گوید که *رویدادنامه* از مرگ شاهنشاه هرمزد چهارم (۵۹۰) آغاز می‌شود و با سقوط امپراتوری ساسانی به پایان می‌رسد.^۲ اگرچه معنای «پایان شاهنشاهی پارسی‌ها» به وضوح روشن نیست. این کتاب ممکن است به سقوط پایتخت ساسانیان تیسفون (۶۳۷) یا تاریخ قتل آخرین پادشاه ساسانی یزدگرد در ۶۵۱ نیز اشاره کرده باشد. این عدم قطعیت، باعث طرح فرضیات بسیاری از جانب محققانی شد که این *رویدادنامه* را بررسی کرده‌اند. نولدکه نوشتن این کتاب را بین سالهای ۶۸۰-۷۸۰ تخمین می‌دهد^۳ و در حالی که بروک با این تاریخ در یک بررسی موافق است،^۴ در جای دیگر او تاریخ ۶۶۰ را مطرح می‌کند.^۵ هویلند^۶ مدعی است که در ۶۶۸ نوشته شده است و در حالی

^۱ See J. P. Asmussen, "Christians in Iran," CHI, ed. E. Yarshater, vol. 3(2), 1983, pp. 924-948.

^۲ See the present Short Chronicle, p. 15.

^۳ Theodor Nöldeke, "Die von Guidi herausgegebene syrische Chronik, übersetzt und commentiert," in *Sitzungsberichte der kaiserlichen Akademie der Wissenschaften, phil.-hist. Kl.* 128, 9 (Vienna: 1893), p. 3.

^۴ Sebastian P. Brock, "Syriac Sources for Seventh-Century History," *Byzantine and Modern Greek Studies* 2 (1976), p. 23.

^۵ Sebastian P. Brock, "Syriac Historical Writing: A Survey of the Main Sources," *JIA* 5 (1979-1980), p. 25.

^۶ R. Hoyland, *Seeing Islam as Others Saw It: A Survey and Evaluation of Christian, Jewish and Zoroastrian Writings on Early Islam* (Princeton, NJ: 1997), p. 182.

که پدر پطرس نوشتن آن را در نیمه دوم قرن هفتم ۶۷۰ و ۶۸۰ تاریخ گذاری می‌کند،^۱ پدر آلبرت سال ۶۸۰ را انتخاب می‌کند.^۲ تاریخ‌های ثابتی در *رویدادنامه*، از جمله سال ۶۵۹ وجود دارد که در آن پاتریارک ایشوع‌عیاب سوم و اسقف بزرگ الیاس^۳ فوت شده است.^۴ از این تاریخ‌های بسیار دقیق که بگذریم *رویدادنامه* در مورد تاریخ نوشتن اثر خود اشاره‌ای نمی‌کند.^۵

ناحیه‌ای که نویسنده در آن زندگی می‌کرد یکی دیگر از مسائل مورد نزاع بین محققان است. نولدکه محل سکونت او را جنوب میان‌رودان یا خوزستان (اهواز) در غرب ایران می‌نویسد.^۶ حدّاد اظهار نظر قطعی می‌کند که نویسنده یک راهبه از صومعه شمال شرقی میان‌رودان به ویژه صومعه کوه ایزلا است؛ نویسنده در واقع بی‌واسطه و مستقیم شاهد رخداد‌های شهر نصیبین بود که توصیف او از محل سکونتش «آشوبگران عامی» و اشتها شهر به مرکز آموزش و علم، با آن مطابقت دارد.^۷ محققان دیگر معتقدند که نویسنده اهل منطقه مرو بوده و ممکن است کسی جز الیجه اسقف مرو نباشد.^۸ هیچ شاهی وجود ندارد که نویسنده از صومعه ایزلا بوده و در واقع جزئیات جغرافیایی در *رویدادنامه*

^۱ بطروس، حدّاد، تصحیح و ترجمه به عربی، *التاریخ الصغیر* (بغداد، ۱۹۷۶)، ص ۸

^۲ Albert Abuna, *Adab al-Lugha al-Aramiyya* (Beirut: Dar al-mashriq, 1996), p. 273

^۳ Ibid, p. 34

^۴ See *Short Chronicle*, p. 31

^۵ نویسنده ذکر می‌کند که با تسخیر اسکندریه، اعراب فتوحات خود را در آفریقا و تبس به پایان رساندند. این اشاره به طور خاص ممکن است مربوط به تکمیل فتح مصر باشد، زیرا لشکرکشی‌های دیگری نیز در زمان «عثمان بن عفان» (۶۵۶-۶۴۴) و به ویژه در ۶۴۴، که اخیراً مطرح شده است، مربوط به فتوحات عرب است که در کتاب ذکر شده است؛ Ibid, p. 37

^۶ Nöldeke, *Die von Guidi herausgegebene*, pp. 4-5

^۷ حدّاد، *تاریخ الصغیر*، ص ۷

^۸ See Sebastian P. Brock, *A Brief Outline of Syriac Literature* (Kerala: 1997) p. 54; P. Nautin, "L'auteur de la (Chronique anonyme de Guidi): Elie de Merw," *Bevue de l'histoire des religions* 199 (1982), pp. 303-310.

بیشتر این گمان را تقویت می‌کند که او اهل نواحی شمال تیسفون پایتخت ساسانی و احتمالاً یکی از ساکنین این شهر بوده است.

مؤلف اغلب اشاراتی به توصیف راهها، نسبت به موقعیت مکانی خود، می‌کند. برای مثال او مسیری را که شاهنشاه خسرو دوم در زمان فرار از دست بهرام ششم از طریق عانت و انبار (پروژ شاپور) از آن عبور کرد آن را «جاده جنوبی» می‌نامد.^۱ نویسنده همچنین از فعل «پایین آمد / سرازیر شد»^۲ در هنگام صحبت کردن از سفرهای راهبان از تیسفون به شهر حیره استفاده می‌کند، که نشان می‌دهد او در شمال این مکان‌ها است. در دوران آغازین اسلام، به نظر می‌رسد که نویسنده همچنان در همان منطقه «شمالی» میان‌رودان زندگی می‌کند، زیرا او بیشتر روایات بدون تاریخ خود را از آن نقطه به نسبت جنوب نوشته است.^۳ او دانش بیشتری از مناطق شمالی و میانی نسبت به منطقه جنوب ارائه می‌دهد. این امر با توجه به اشتباهی که او در مورد شهر بصره مرتکب شده و مؤسس آن را ابو موسی^۴ ذکر می‌کند در حالی که مؤسس واقعی آن عتبه بن غزوآن است، بیشتر نمایان می‌شود.^۵ در مقابل وقتی از شمال و شمال میان‌رودان صحبت می‌کند اطلاعات او بسیار دقیق است. او اولین نویسنده‌ای است که به شهر موصل اشاره می‌کند؛^۶ او همچنین به دقت نام کوفه و بنیان‌گذار آن را شرح می‌دهد. او به

^۱ *Short Chronicle*, p. 15.

^۲ *Ibid*, P. 17

^۳ *Ibid*, PP. 26, 33;

به ویژه در مورد داستان طولانی یهودیان در شهر فلوجه، و سپس داستان دیگری که در مورد مانوی-ها نقل می‌کند.

^۴ *Ibid*, P. 36

^۵ See Ahmad ibn Yahya Baladhuri, *Futuh al-Bulddn*, edited by the Commission of Inquiry Heritage (Beirut: Dar wa-maktabat al-Hilal, 1988), p. 89; P. Bearman, "al-Basra," *EI2*, vol. 1, pp. 1085-1088.

^۶ *Short Chronicle*, p. 22

تمامی نام‌های مناطق قدیمی و موقعیت جغرافیایی خاص آنها و نیز زمانی که توسط فاتحان عرب بنیان نهاده شدند، آشنایی نزدیکی نشان می‌دهد.^۱

عنوان

نسخه خطی سریانی *رویدادنامه*، از آنجا که بدون نام است و اولین بار توسط گونیدی در سال ۱۸۸۹ منتشر شد همیشه در مورد آنچه که باید نامیده شود تعارض وجود داشته است. این دست‌نوشته برای اولین بار در لاتین در مجموعه‌ای بنام *Chronica Minora* «تواریخ مختصر» منتشر شد و تا اینجا کار تحت عنوان *رویدادنامه بی‌نام* معرفی شده است.^۲ هنگامی که کتاب توسط نولدکه به آلمانی ترجمه شد با مراجعه به اولین ناشر به آن لقب *Die von Guidi herausgegebene parische Chronik* داده شد^۳ و در واقع برخی از محققان این عنوان را پس از نولدکه بکار گرفتند.^۴ دانشمند روسی پیگولوسکا یا آن را *Anonymnaya Siriiskaya Khronika vremeni sasanidov* «رویدادنامه سریانی بی‌نام در دوره ساسانی»^۵ نام‌گذاری کرد در حالی که بروک آن را تحت عنوان *رویدادنامه بی‌نام در پایان دوره ساسانی*^۶ و در جاهای دیگر او آن را *رویدادنامه بی‌نام* نام‌گذاری کرده است.^۷ در نهایت ابونا این اثر را *رویدادنامه گمنام*^۸ و حدّاد آن را *رویدادنامه کوتاه قرن هفتم* نام‌گذاری کرد.^۹

^۱ Ibid. p.36

^۲ I. Guidi, *Chronicum Anonymum in I. Guidi, Chronica Minora I*, CSCO 1-2 (Paris 1903)

^۳ Nöldeke, *Die von Guidi*, p. 1

^۴ S. Brock, "Guidi's Chronicle," *Iranica* (2002) 11(4), p. 383

^۵ Nina Victorovna Pigulevskaya, "Anonimnaya Siriiskaya khronika vremeni Sasanidov," *Zapisk Istituta Vostokovedenya I* (1939), p. 55.

^۶ Brock, "Syriac Sources", p. 23.

^۷ Brock, "Syriac Historical Writing," p. 302

این اثر در حال حاضر عمدتاً با عنوان *رویدادنامه خوزستان*^۲ با این حقیقت مهم که هیچ یک از ترجمه‌های اولیه از این عنوان استفاده نکرده، شناخته می‌شود. نولدکه گمان می‌رود آفریننده این عنوان است از آن برای ترجمه آلمانی خود استفاده نکرد؛ او تنها در مقدمه پیشنهاد می‌کند که مولف این کتاب از منطقه خوزستان بوده که در آنجا زندگی می‌کرده و کارش را انجام می‌داده و آخرین رویدادهایی که در آن شرح داده مربوط به آن منطقه است.^۳ اما حقیقت این است که مولف اهل خوزستان نبود، بلکه اهل میان‌رودان شمالی بود که پیش‌تر درباره آن توضیح داده شد. در آخرین رویدادهایی که او پس از فتح خوزستان در ارتباط با فتح مصر^۴ نوشته، مولف در آنجا یا جاهای دیگر هرگز از نام و مکانی از خوزستان استفاده و یاد نمی‌کند.^۵

در متن مطالعه حاضر من عنوان را بیشتر در خط یا چارچوب *رویدادنامه* و مضامین آن تحت عنوان *رویدادنامه مختصر پایان شاهنشاهی ساسانی و آغاز اسلام* پیشنهاد می‌کنم. این عنوان، انعکاس رخدادهای است که در محتوای نسخه خطی بدان پرداخته شده است:

برخی از گزارش‌های مربوط به تواریخ کلیسا یعنی گزارش‌های کلیسا از تواریخ عمومی، که گزارش‌های جهانی هستند، از مرگ هرمزد پسر خسرو تا پایان پادشاهی پارسی‌ها گزارش می‌دهد.^۶

^۱ Abuna, *Adah al-Lugha*, p. 23

^۲ Haddad, *al-Tarikh al-Saghir*, pp. 3—9

^۳ For example, see J. Howard-Johnston, *Witnesses to a World Crisis: Historians and Histories of the Seventh-Century Middle East* (Oxford, 2010), pp. 128-137; R. Hoyland, *Seeing Islam as Others Saw It*, pp. 182-188.

^۴ Nöldeke, *Die von Guidi*, pp. 2-4

^۵ *Short Chronicle*, p. 37.

^۶ نویسنده از نام باستانی خوزستان برای این منطقه برخلاف کتیبه‌ها و نوشته‌های ساسانیان استفاده نکرده است. چنین نام مکانی در هیچ‌یک از منابع سریانی یافت نمی‌شود، و نویسنده ما با نام بیت-لاپات و بیت-هوزایی به آن اشاره می‌کند؛

Short Chronicle, pp. 34, 35

^۷ *Ibid*, P. 15

اگر ما به عنوان سریانی رویدادنامه باور داشته باشیم و محتویات آن را از تواریخ کلیسایی و سکولار جمع آوری شده باشد، این احتمال وجود دارد که تمام مطالب آن از تواریخ کلیسایی گردآوری شده که گزارشات آنها از منابع مختلف جمع شده است. در هر صورت عنوانی که مورد استفاده قرار می‌گیرد نشان‌دهنده پایان شاهنشاهی ساسانیان است که از قرن ششم تا نیمه دوم قرن هفتم به تفصیل پوشش می‌دهد.^۱ عبارت «قلمرو پادشاهی پارسی‌ها» در این عنوان تقریباً کل محدوده جغرافیایی شاهنشاهی ساسانیان در شرق را نشان می‌دهد: مهم‌ترین بخش‌های آسیا و آفریقا و مناطقی که ارتش ساسانی فتح کرده‌اند به عبارت دیگر مشرق و مصر^۲ - که عصر شاهنشاهی هخامنشیان را دوباره از نو احیا می‌کرد.^۳

بخش دوم از موضوع پیشنهادی من شامل عبارت «در اوایل اسلام» است و بر این واقعیت منطبق است که حدود سی درصد از کل کار را دربر می‌گیرد. علاوه بر این مقدار و کیفیت اطلاعات مربوط به اسلام یک امر منحصربفردی است که در رویدادنامه در مقایسه با سایر منابع که با تاریخ اوایل اسلام سر و کار دارند در نوع خود منحصربفرد است.^۴ اطلاعات این موضوع که بخش آخر کار را در بر می‌گیرد توسط شاهد عینی رویدادهای آغاز دوره اسلامی است، که بر اساس دیده‌ها و شنیده‌ها ارائه شده است. از این رو عنوان پیشنهادی من به اندازه کافی بازتاب کامل محتوای رویدادنامه را به شیوه‌ای که نام‌های قبلی آن را منعکس نمی‌کنند است.

^۱ For details, see Richard N. Frye, "The Political History of Iran under the Sasanians," in Ehsan Yarshater (ed.), *Cambridge History of Iran: The Seleucid, Parthian, and Sasanian Periods* (Cambridge University Press: 1983), vol. 3(1), pp. 119-120.

^۲ See Edward R. Hardy Jr., "New light on the Persian Occupation of Egypt," *JOSQ* 13 (1929), pp. 185-186; Andrea Gariboldi, "Social Conditions in Egypt under the Sasanian Occupation," *La parola del passato: rivista di studi antichi* 64 (2009), p. 339.

^۳ For details, see R. Altheim-Stiehl, "The Sasanians in Egypt — Some Evidence of Historical Interest," *BSAC* 31 (1992), pp. 87-96; J. Howard-Johnston, *East Rome, Sasanian Persia and the End of Antiquity* (Aldershot, 2006) p. 87

^۴ منابع و محتویات رویدادنامه مرتبط به بخش اوایل اسلام را ببینید (p. Lviii)

ترجمه‌های رویدادنامه

از زمان کشف و انتشار اولیه *رویدادنامه* در سال ۱۸۸۹ تا سال ۲۰۰۴، به طور کامل به چندین زبان مختلف ترجمه شده است. در برخی موارد بخش‌های ویژه‌ای به منظور مطالعه و اهداف تحقیقاتی ترجمه شدند. در زیر برخی از این ترجمه‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌است.

ترجمه‌های کامل

ترجمه کامل نولدکه به زبان آلمانی در سال ۱۸۹۳ اولین ترجمه به زبان اروپایی و شامل پنجاه صفحه است که پنج صفحه از آن به مقدمه‌ای اختصاص دارد که بررسی *رویدادنامه* و نویسنده آن است.^۱ این ترجمه شامل شرح (زیرنگاشت) و نکات پایانی بسیار کوتاه است.^۲ با توجه به این حقیقت که نولدکه در بحث درباره موضوعاتی که قبلاً بیان کرده شکست خورد به نظر می‌رسد که گزارش او در باره *رویدادنامه* تحت تأثیر اثر قبلی او در ترجمه کتاب تاریخ طبری بوده است.^۳ برخی از توضیحاتش در زیرنویس‌ها باید به روز شوند زیرا برخی از منابع بخصوص *رویدادنامه* سرعت^۴ که حاوی تاریخ‌های مهمی هستند، وقتی او ترجمه را منتشر کرد در دسترس نبودند. علاوه بر این کتیبه‌های جدید ساسانی و منابع سریانی شرقی که بعدها منتشر شدند^۵ برخی از نظرات و مشاهداتش را منسوخ کردند. ترجمه

^۱ Nöldeke, *Die von Guidi*, pp. 1-5

^۲ Ibid, pp. 10,15,19,24,25

^۳ T. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden* (Leiden, 1879).

^۴ See Philip Wood, *the Chronicle of Seert; Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq* (Oxford, 2013), pp. 1-22.

^۵ See Touraj Daryaee and Alinia Massoumeh, *Bibliographica Sasanika: Years 1990-99; A Bibliographical Guide to Sasanian Iran* (Mazda, 2009), pp. 10-33.

گویندی از رویدادنامه به لاتین در سال ۱۹۰۳^۱ اگرچه او اولین ناشر متن سریانی در سال ۱۸۸۹ است اما ترجمه او به عنوان دومین ترجمه کامل به حساب می‌آید. ترجمه کامل گویندی بدون در نظر گرفتن پانوشت‌ها و پایان‌نوشت‌ها شامل هفده صفحه است. او در مقدمه تقریباً یک صفحه‌ای‌اش به نظر می‌رسد با نتایج نولدکه، در مورد تاریخ متن و تعیین محل اولیه‌اش، توافق دارد.^۲

ترجمه روسی بیست و سه صفحه‌ای در سال ۱۹۳۹ توسط پیگولوسکایا به چاپ رسیده است که از ترجمه آلمانی و مقایسه آن با دیگر متون سریانی بهره برده است.^۳ یک ترجمه عربی در عراق به سال ۱۹۷۶ توسط حداد منتشر شد که مبنای این ترجمه بر اساس نسخه خطی عراقی در کتابخانه واتیکان و ویرایش گویندی است.^۴ انتشار او شامل هفت صفحه معرفی^۵ و سپس ۵۳ صفحه ترجمه و توضیحات (۱۰۶-۵۳) است. مایه تأسف است که این مترجم در ترجمه عربی از بخش بسیار مهمی از نسخه خطی سریانی که در مورد تاریخ اوایل اسلام است چشم پوشی کرده است.^۶ او ممکن است خواسته باشد از مضمون مشاجرات احتمالی آنها در محدوده محیط سخت اسلامی که در آن زندگی می‌کرد جلوگیری کند.

^۱ Guidi, *Chronicum Anonymum*.

^۲ Ibid, pp. 13-14.

^۳ Pigulevskaya, *Anonimnaya Siriiskaya khronika*, pp. 53-78

^۴ مترجم در مقدمه از نسخه رونویسی شده از نسخه خطی عراقی در ترجمه بهره برده، اما به نظر می‌رسد که او به طور کامل بر روی دستنوشته‌های واتیکان مورد استفاده گویندی متکی بود؛ حداد، *التاریخ الصغير*، ص ۱۰

^۵ Ibid, pp. 3-9.

^۶ Ibid, pp. 48,49,103

ترجمه‌های جزئی

در سال ۱۹۰۲ شابو برخی از بخش‌های *رویدادنامه* را که به مسائل کلیسای شرقی مربوط می‌شد به فرانسه ترجمه کرد.^۱ در سال ۱۹۹۷ هایلند به انگلیسی تقریباً دو صفحه از *رویدادنامه* را که مربوط به ظهور اسلام می‌شد ترجمه کرد.^۲ در سال ۲۰۰۲ گریترکس بخشی از *رویدادنامه* را که در مورد رابطه ساسانیان و بیزانس بود ترجمه کرد. در این ترجمه رشته یادداشت‌هایش را بر اساس ترجمه آلمانی نولدکه قرار داد.^۳ در سال ۲۰۰۴ رابینسون یک بررسی در مورد فتح خوزستان، مطابق گزارش‌هایی که بعد از ترجمه *رویدادنامه* آورده شده است، منتشر کرد.^۴

از آنجایی که تاکنون هیچ ترجمه کامل انگلیسی از *رویدادنامه* وجود نداشته است، بنابراین، انتشار نخستین ترجمه کامل به زبان انگلیسی از متن کامل سریانی را انجام دادم. من تلاش کرده‌ام تا نام اشخاص و مکان‌ها را با دقت بیشتری مشخص کنم و در صورت امکان، اصطلاحات فنی فارسی و عربی که در ترجمه‌های پیشین بحث برانگیز است، روشن شود. من تلاش کرده‌ام تا تمام مطالعات انجام شده در *رویدادنامه* را پیگیری کنم و تمام روایت‌ها را در متن با مراجع مدرنی که در دسترس است مقایسه کرده و منابع سریانی، مسیحی و عربی را که به همه رویدادهای تاریخی مشترک با آنها است، اشاره کنم. از این جهت، پاورقی‌ها و پایان نوشت‌ها بسیار طولانی‌تر از متن ترجمه است. تحقیق من شامل معرفی کاملی است که در آن تجزیه و تحلیل بر روی ساختار، منابع و محتوای ارائه شده در *رویدادنامه* و همچنین در متون تاریخی که تحت تأثیر تفکر نویسنده است.

^۱ *Synodicon Orientale*, ed. and tr. J. -B. Chabot (Paris, 1902), p. 625.

^۲ Hoyland, *Seeing Islam*, Pp. 182-189

^۳ G. Greatrex and S. lieu. *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars A.D. 363-628*, (London; 2002), vol. 2, p. 229.

^۴ Chase Robinson, 'The Conquest of Khuzestan: a Historiographical Reassessment,' *BSOAS* 68, (2004), pp. 14-39.

منابع و محتویات رویدادنامه

محتوای رویدادنامه به دو بخش تقسیم می شود. اولین، تاریخ کلیسایی است و دومین، تاریخ عمومی یا غیر دینی است و هر دو در دوره زمانی مرگ پادشاه هرمزد چهارم تا سقوط شاهنشاهی ساسانی قرار دارند. جالب توجه است، بیان برجسته در عنوان *ענין מלכות*^۱ «برخی از گزارش‌ها» این تصور می‌دهد که رویدادنامه از بخشی از یک تاریخ بزرگ‌تر گرفته شده است. همچنین این نشان‌دهنده آن است که رویدادنامه ما احتمالاً انعکاسی از ساختار کتاب بزرگتر، که حاوی تاریخ کامل کلیسایی و سکولار است، بوده است. رویدادنامه ما با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی به پایان می‌رسد، اما بیانات آن نیز نشان می‌دهد که پایان دیگری داشته است^۲ و بنابراین ممکن است اسناد ما یا قسمت اول آن از دست رفته و از اردشیر یکم (۲۲۴-۲۴۰ میلادی)، بنیان‌گذار شاهنشاهی ساسانی شروع شده بوده است. همچنین ممکن است از جانشینی و دنباله‌ای از پادشاهان شاهنشاهی ساسانی برای دوره‌ای بیش از چهار قرن، از تقریباً وسط قرن سوم تا پایان قرن ششم، جایی که ما شروع به خواندن رویدادنامه می‌کنیم، وجود داشته است. تاریخ کلیسایی ممکن است در اصل تحت دوره هر پادشاه ساسانی پوشش داده شده است. این نیز در مورد رویدادنامه سعرت، که به زبان عربی براساس منابع سریانی در قرن دهم نوشته شده و فاقد اطلاعاتی از دوران اولیه است، نیز صادق باشد. در حقیقت، رویدادنامه سعرت، در کنار سازماندهی کلی و ساختار کلی آن، در بسیاری از جنبه‌ها، از جمله مطالب، روایت‌ها، موضوع‌ها و منابع، با رویدادنامه ما مشترک است. همچنین تاریخ کلیسایی را می‌توان در لابلای محتویات تاریخی شاهنشاهی ساسانی از زمان تولد تا سقوط آن به دست اعراب پیدا کرد.

عبارت «تاریخ عمومی»^۳ در عنوان رویدادنامه ما حاکی از آن است که این، بخشی از یک کل است، که باید تواریخ باستانی و رومی را نیز پوشش دهد. این بدین معنی است که رویدادنامه نشانی‌های کامل از تاریخ خاور نزدیک از قرن سوم تا قرن هفتم ارائه داده، که تمام مراحل شاهنشاهی ساسانی از زمان تأسیس آن تا پایان آن به دست اعراب را پوشش می‌دهد. تسلط عرب بر اراضی شاهنشاهی

^۱ *Short Chronicle*, p. 15.

^۲ *Ibid*, p. 39

^۳ *Ibid*, p. 15

ساسانی به معنای خاتمه روایات ساسانی در مورد خاور نزدیک است،^۱ چون که تمام رویدادهای عرب با تاریخ ساسانی در هم تنیده شده بود. چنین «تاریخ عمومی» را نمی‌توان بدون یک چارچوب و نظم و ترتیب تاریخی نوشت. بنابراین، تاریخ هر پادشاه ساسانی از سال اول حکومتش تا سالی که در آن فوت می‌کرد، داده شده و رویدادهای محلی و جهانی به سالهای سلطنت پادشاه در راس قدرت تاریخ‌گذاری می‌شده است. مقدمه *رویدادنامه*، و بخصوص آغاز خط نخست آن (که سالهای حکومت پادشاه ساسانی هرمزد چهارم را نشان می‌دهد) این موضوع را با مثال روشن می‌کند.^۲ به این ترتیب، روایت ساسانیان اولویت بیشتری به دست می‌دهد و تواریخ دیگر این امر را تایید می‌کنند. اگر شخصی که *رویدادنامه* را کپی کرد واقعا عبارت «تاریخ جهانی» را در عنوان اصلی تاریخچه بزرگتر و کامل مشاهده کرده است، ما می‌توانیم اندازه کامل آن را برآورد کنیم؛ حدود ۷۰ درصد آن گم‌شده است و تنها ۳۰ درصد آن باقی مانده است.

نویسنده ما بخش بزرگی از کار خود را به تاریخ غیر دینی اختصاص داده است که تقریباً ۷۰ درصد از کل سند را شامل می‌شود، ۳۰ درصد باقی مانده را به تاریخ کلیسا پرداخته است. جدول زیر فضای تقریبی داده شده به سه موضوع اصلی،^۳ به ترتیب در *رویدادنامه* نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: پوشش موضوعی در تاریخچه

^۱ Ibid, pp. 36-37

^۲ Ibid, p. 15

^۳ درصد روایات مربوط به یک موضوع خاص، اندازه‌گیری تنها برای نرخ‌های مندرج در جدول نیست؛ ارتباط آنها با کل کار نیز مورد توجه قرار گرفته است.